جلوه‌های تصوف، فتوت و مذهب تشیع در ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران

علی حیدری*، ناصر دولتشاه**

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبایی

تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۸/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۸۸/۳/۲۵

چکیده

این مقاله در مورد سرچشمه‌های ورزش زورخانه‌ای و باستانی ایران بحث کرده است. ظاهراً این ورزش باستانی از آغاز به صورت جدّی تحت تأثیر مسائل مذهبی و اجتماعی – اخلاقی قرار گرفته است. آیین‌ها و ادیانی مانند آیین مهری و دین زردشتی پیش از اسلام، بر این ورزش باستانی تأثیر گذاشته‌اند. پس از اسلام نیز جلوه‌هایی از رفتارهای اجتماعی و دینی مانند عرفان و تصوف، آیین فتوت و مذهب تشیع در آن نمود پیدا کرده است. این جلوه‌ها هم در ظاهر این ورزش (شیوهٔ لباس‌پوشیدن، مکان ورزش، گفتار ورزشکاران و...) پیدا شده است و هم در کردار آنان (پاک‌دامنی، سحرخیزی و...) تأثیر گذاشته است.

کلیدواژه‌ها: ورزش باستانی، زورخانه، فتوت، تصوف، تشیع.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

مقدمه

بحث درباب خاستگاه و سرچشمه‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی ورزش باستانی ایرانیان از دیرباز مدنظر محققان، جامعه‌شناسان و پژوهشگران بوده است. تمام کسانی که در مورد ورزش باستانی و زورخانه‌ای پژوهش و تحقیق کرده‌اند به نوعی در مورد منشأ پیدایش این ورزش سخن گفته‌اند. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این امر رازناک‌بودن این ورزش و وجود آداب و رسوم خاص در آن بوده است. مهرداد بهار در مقاله‌ای عالمانه منشأ ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران را به آیین مهرپرستی منتسب می‌کند و نظر کسانی را که منشأ آن را در دوران متأخر می‌دانند رد می‌کند: منشأ ورزش باستانی ایران را در آغاز دورهٔ اسلامی می‌جویند و آن را پوششی بر کوشش ایرانیان میهن‌دوست در فراگرفتن شیوه‌های نبرد با کمان و سپر و جز آن بر ضد تازیان می‌دانند (۱۰) در ادامه مسائلی را از قبیل برهنه‌بودن و برهنه متولدشدن مهر، شرکت‌ندادن زنان در آیین‌ها، ممنوعیت ورود جوانان نابالغ در آیین‌ها و جشن‌های مهری، برگزاری مراسم در غارها و در صورت نبودن غار، معابدی به شکل غار در زیرزمین بناکردن، حضور تماشاگران بر سکوهایی که بر معبد مشرف بود، کشتی گرفتن مهر با خورشید و دست‌دادن (دست راست) به خورشید بعد از غلبه بر او، وجود زنگ در معابد و...را از جمله مواردی می‌دانند که در آیین مهری وجود داشته و به نوعی بر ورزش باستانی و زورخانه‌ها تأثیر گذاشته است (۱۰).

علاوه بر آیین مهری، شباهت‌هایی نیز بین ورزش باستانی و دین زردشتی وجود دارد از جمله اهمیت‌دادن به قدرت بدنی (۶). در مینوی خرد چنین آمده است: روان دانش را برخود بیارایید و جامهٔ اعتماد به نفس و اطمینان بر تن کنید و سپر راستی و درستی در دست بگیرید و با گرز سپاس و کمان تدارک آماده به جنگ **اهریمن** بشتابید (۶) که سنگ (تخته) در زورخانه به سپر، گرز به میل و کمان به کباده تغییر شکل **داده** است. واژه کشتی (کمربند مخصوص زردشتیان) در زورخانه‌ها که هنوز هم متداول است که بدون شک تأثیر دین زردشت را مسجل می‌کند.

با توجه به دلایل و شواهد فراوان، مکتب تشیع تفکرات و آداب و رسوم صوفیان و آیین تصوف و همچنین آیین فتوّت تأثیر مشهودتر و عمیق‌تری بر ورزش باستانی و زورخانه‌ای ایران گذاشته‌اند یا بعضی از تأثیراتی را که این ورزش از آیین مهری و دین زردشت و ... گرفته است تقویت و تثبیت کرده‌اند ما در این مقاله به‌اختصار دربارهٔ آن‌ها سخن می‌گوییم.

الف. جلوه‌های آیین تصوف در زورخانه و ورزش پهلوانی

قبل از هرچیز لازم است توضیحی مختصر در مورد تصوف آورده شود. ارائهٔ تعریفی جامع و فراگیر از تصوف دشوار است، زیرا همواره در حال تطور و تحول بوده و در هر عصر جلوهٔ ویژه‌ای داشته است، اما به طور مختصر می‌توان گفت: التّصوف هو التخلق بالاخلاق الهیه (تصوف عبارت است از اکتساب اخلاق الهی). قاسم غنی در کتاب تاریخ تصوف در این مورد می‌نویسد: تصوف یا عرفان در نزد مسلمانان عبارت است از

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

طریقهٔ مخلوطی از فلسفه و مذهب که به عقیدهٔ پیروان آن، راه وصول به حق منحصر بدان است و این وصول به کمال و حق متوقف است بر سیر تفکر و مشاهداتی که موّدی به وجد و حال ذوق می‌شود و در نتیجه به نحو اسرارآمیزی انسان را به خدا متصل می‌کند (۲۲). واژهٔ صوفی ظاهراً از یکی از موارد ذیل مشتق شده است: ۱- نـام غوث بن مر، معروف به «صوفه». چون اولین کسی بود که خود را وقف خدمت به خدا کرد. ۲- صوفه الصفا «موی پشت گردن» چون صوفی به‌وسیله آن به سمت خدا کشیده می‌شود. ۳- منسوب به صوف (پشم) چون صوفیه لباس پشمین می‌پوشیدند. ۴- منسوب به «صفه» (سکوی مسجد) افرادی در صدر اسلام به اهل صفه مشهور بودند. ۵) برگرفته از «صوفانه» (نوعی گیاه) (۲).

پس از ظهور اسلام یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری که بر زورخانه‌ها و آیین پهلوانی تأثیر گذاشته است عرفان و تصوف اسلامی است. در حقیقت صوفیان در خانقاه‌ها و معابد با تزکیهٔ نفس خود را برای مقابله با دشمن درونی (نفس) آماده می‌کردند و پهلوانان نیز در زورخانه‌ها با تقویت قوای جسمانی آمادهٔ مبارزه با دشمن بیرونی و درونی می‌شدند (چنان‌که خواهیم گفت در زورخانه‌ها به مسائل اخلاقی و اسلامی بسیار اهمیت داده می‌شد). در اینجا برای نمونه بعضی از این تأثیرات بررسی می‌شود:

گُل‌کشتی و گُل‌چرخ

در زورخانه‌ها برای تهییج پهلوانان اشعاری از بزرگان خوانده می‌شود که بیشتر اخلاقی و حماسی است. این اشعار از هرجهت شبیه به قول و غزلی است که در مجلس سماع صوفیان خوانده می‌شد. بعضی‌ها گل‌کشتی را به معنی گلی دانسته‌اند که پهلوانی به کنایه از طلب کشتی به سوی پهلوان دیگر می‌فرستد (۱۸) اما به ظن قوی و به اعتبار آنکه بیشتر مراسم زورخانه مأخوذ از اصول تصوف است، این اشعار و عبارات «قول‌کشتی»، «قول چرخ» بوده و همان‌طور که در مقدمهٔ سماع صوفیان شعر و نثری به‌وسیلهٔ قوّال‌ها و به‌عنوان «قول» برای تحریک احساسات اهل سماع خوانده می‌شد، در زورخانه هم این قول‌ها برای تشویق ورزشکاران رایج شده و درنهایت به مرور ایام و با سابقهٔ ذهنی که اهل فن از گل‌کشتی (یعنی گلی که فرستادن آن کنایه از طلب کشتی بوده) داشته‌اند، قول کشتی و قول چرخ تبدیل به گل‌کشتی و گل‌چرخ گردیده است (۱۱) و (۶).

ضرورت وجود مرشد در زورخانه و آیین تصوف

در اکثر نحله‌های عرفانی وجود پیر برای سالک الزامی است. مجذوب‌علی‌شاه به ده دلیل (۳۰) وجود پیر را که باید دست‌کم بیست صفت پسندیده داشته باشد الزامی می‌داند (۳۰). در فتوت‌نامهٔ سلطانی نیز ضرورت وجود پیر برای فتی تأکید شده (۲۷). و شرایط او نیز بیان شده است (۲۷). الزام وجود پیر به‌عنوان معلمی صادق (۲۸) در اکثر کتاب‌های عرفانی و دیوان شعرای عارف نیز ذکر شده است. حافظ می‌فرماید:

قطع این مرحله بی‌همرهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی (۱۴)

به کوی عشق منه بی‌دلیل راه قدم که من به خویش نمودم صد اهتمام و نشد (۱۴)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

در زورخانه در هنگام «شنو رفتن» یا «میل‌گرفتن» مرسوم است که یک نفر که پیش‌کسوت است در وسط گود قرار می‌گیرد که روبه‌روی سردم زورخانه است. و درمقابل، برترین کس –در صورتی که از سادات در میان حاضرین باشد حق تقدم با اوست– قرار می‌گیرد و به تناسب اشخاص برجسته و مهم در کنار او قرار می‌گیرند. و در پشت میاندار افراد مبتدی قرار می‌گیرند. حال اگر به هر دلیلی میاندار از ادامهٔ ورزش منصرف شود، فرد مقابل جای میاندار را می‌گیرد و نفر بعدی که کنار او است در مقابلش قرار می‌گیرد. به همین ترتیب، اگر فرد مقابل منصرف شود نزدیک‌ترین کس به او که ارجح هم هست جای او را می‌گیرد و این جایگزینی در سراسر حلقهٔ پهلوانان رعایت می‌شود (۲۸). در آیین تصوف نیز اگر قطب بمیرد یکی از نقبا جایگزین او می‌شود و به ترتیب تا ابدال و اخیار یکی به مرحلهٔ بالاتر می‌آیند (۷). در آیین فتوّت نیز که در مورد آن سخن خواهیم گفت یادکردن از پیران و استادان جزء اصول بوده است. این توجه به پیر و احترام به او نه تنها با دقت تمام در زورخانه‌ها و مراسم ورزش باستان مراعات می‌شود، امروز سایر ورزشکاران و کسانی که در رشته‌های مختلف به تمرین اشتغال دارند احترام به استاد و پیش‌کسوت را جزء وظایف خود می‌دانند (۲۷).

توجه به رباعی

در ادبیات فارسی، به مرور زمان، بعضی از قالب‌های شعری به نوعی با بعضی از موضوعات اصلی و فرعی شعر گره خورده‌اند. مثلاً غزل برای ادبیات غنایی، قطعه برای ادب تعلیمی، قصیده برای مدح و.... چنان‌که مشخص است رباعی نیز یک قالب شعری است که به مرور زمان برای بیان مفاهیم عرفانی در نظر گرفته شده است. اغلب رباعی‌ها در برگیرندهٔ مسائل عرفانی و فلسفی هستند. شمیسا می‌گوید: در مورد علاقهٔ وافر صوفیه به رباعی در مطاوی کتب ادبی و عرفانی اشارات فراوانی است. آنان در مجالس سماع از ذوق رباعیات ملحون از خود به در می‌شده‌اند (۲۱).

در زورخانه‌ها نیز خیلی از اشعار که در گل‌کشتی، گل‌چرخ یا به‌وسیلهٔ طبال و ورزشکاران سروده و خوانده می‌شود، درقالب رباعی است. در گل کشتی میرنجات چنین آمده است:

چون رباعیش به میدان فصاحت سر شد خضر گویی که نصیحت‌گر اسکندر شد (۶)

یا هنگام چرخیدن یک ورزشکار در وسط گود، ورزشکار پیش‌کسوتی با خواندن یک رباعی از حضار طلب ختم صلوات می‌کرد (۱۱). بسیاری از اشعار مشهور که در زورخانه‌ها کاربرد داشته در قالب رباعی بوده است (۶).

شباهت زورخانه و خانقاه

سبک بنای کنونی زورخانه‌ها به خانقاه‌ها و زوایای مخصوص اهل تصوف شبیه‌تر است تا یک محل ورزش (۱۱). حتی بعضی گام را از این فراتر نهاده و سابقه و شباهت زورخانه را به آتشکده‌های دوران باستان و زردشتی می‌رسانند. انصاف‌پور می‌گوید: شکل زورخانه‌ها به تکیه‌ها و تکیه‌ها به خانقاه‌ها و خانقاه‌ها به

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

آتشکده‌های دورهٔ باستان ایران می‌ماند (۶). شکل محرابی که در زورخانه‌ها می‌ساختند، احتمالاً متأثر از مساجد عهد اسلامی است، می‌توان ادعا کرد پیش از آنکه از محراب مساجد تأثیر گرفته باشد، متأثر از شکل مهرابه‌ها (عبادتگاه‌های دین مهری) است که به قول مهری باقری معمولاً طاق‌های مزین به نقوش ستارگان داشته و در دو طرف آن سکوهایی برای نشستن مهرپرستان قرار دارد... (۸). با این همه، شکل خانقاه و زورخانه از نظر ظاهری و نحوهٔ ورود افراد و... با هم شباهت بسیار دارند. به هر حال حتی اگر زورخانه‌های قبل از اسلام متأثر از مهرابه‌های آیین مهری بوده‌اند، نمی‌توان شباهت ظاهری آن‌ها را با خانقاه (محل انجام مناسک صوفیان) نادیده گرفت.

ب. جلوه‌های آیین فتوت در زورخانه و ورزش پهلوانی

فتوت در لغت به معنی جوانمردی است. اما در اصطلاح بنابر آنچه پرتو بیضایی آورده است لفظی است برای کسی که به دواعی طبیعی و کدورت‌های بشری آلوده‌نشده و متصف به صفات ملکی بوده و به نهایت کمال رسیده و از صفات و عادات بهیمی برکنار است و بالاخره فتوت یعنی اتّصاف به صفات حمیده و تخلق به اخلاق پسندیده (۱۱). کاشانی می‌گوید فتی جوانمردی است و جوانمرد شخصی بود در فضایل خلقی کامل و از دنیا و رذایل نفسانی مجتنب (۲۴). مأخذ و مبدأ این جریان را مربوط به ماجرایی می‌دانند که روزی شخصی به خدمت پیامبر (ص) آمد و گفت دو نفر را در حالت زنا دیده و در را بر روی آنان بسته است.... پیامبر (ص) برای روشن‌شدن مطلب حضرت علی (ع) را آنجا فرستاد. حضرت علی (ع) در را گشود و چشمان مبارک را بست و به خدمت پیامبر (ص) برگشت و گفت کسی را در آنجا ندیدم. پیامبر اکرم (ص) که بر کار حضرت علی (ع) آگاهی داشت در مورد حضرت علی فرمود «یا علی انت فتی هذه الامه» (۲۳). بعضی نیز فتی را مربوط به جنگ بدر یا احد می‌دانند که حضرت جبرئیل در وصف حضرت علی گفت: «لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار». در فتوت‌نامهٔ منظوم – متعلق به قرن هفتم و هشتم – فتوت نوری دانسته شده است که خداوند آن را از عالم بالا به پیامبر (ص) بخشیده است. وقتی پیامبر (ص) به معراج رفتند در عرش قندیلی را مشاهده کردند و از جبرئیل کیفیت آن را پرسیدند:

گفت ای جبریل این قندیل چیست　　وین چنین دولت بگو از بهر کیست؟
گفت: پرسیدم ز حق یک‌بار این　　گفت ای جبریل هستی تو امین
این بود نور فتوت در جهان　　خود نصیب مهتر آخر زمان (۴)

فتیان (جوانمردان) سلسله‌مراتب خاصی داشتند: مبتدیان را «ابن»، سابقه‌داران را «اب» یا «جد» و رئیس خود را «اخی» می‌خواندند. در دوره‌های متأخر واژه‌هایی مانند داشی، لوطی (در معنی مثبت)، عیار، شطار و کلو نیز بر اهل فتوت اطلاق می‌شد. اهل فتوت تشریفات و آیین و رسوم خاصی داشتند. در کشتی‌گیری، تیراندازی و شمشیربازی مهارت داشتند. آیین فتوت ترجیح دادن دیگران بر خود، گذشتن از لغزش دیگران، بخشندگی، حفظ شرف و ناموس، اظهار غیرت، دستگیری از مستمندان، حمایت از یاران و... بود. آیین فتوت بعدها به

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

دلایل فراوان به دو شاخه تقسیم شد و به مرور زمان وجوه اشتراک و شباهت آن‌ها کم گردید و بر جنبه‌های افتراق آن‌ها افزوده گشت. افشاری معتقد است گروهی سپاهی و عیارپیشه بوده‌اند و گروهی دیگر اهل حرفه و زهدپیشه. گروه نخست «سیفی» (اهل شمشیر) و گروه دوم «قولی» نامیده شده‌اند (۴). در آموزه‌های اسلامی نیز شمشیر با معنویات توأمان بوده است. چنان‌که در کشف‌المحجوب از شمشیر همراه با علم و فقر به‌عنوان میراثی از حضرت پیامبر (ص) یاد شده است. هجویری در این مورد می‌گوید یکی از مدعیان علم درویشی را گفت «این کبود چرا پوشیدی؟» گفت: «از پیامبر- علیه‌السلام – سه چیز بماند: یکی فقر و دیگر علم و سدیگر شمشیر، شمشیر سلطانان یافتند و نه در جای آن به‌کار بستند، و علم، علما اختیار کردند و به آموختن تنها بسنده کردند و فقر فقرا اختیار کردند و آن را آلت غنا ساختند. من بر مصیبت این سه گروه کبود پوشیده‌ام (۲۹).

در فتوت‌نامه مولانا ناصری در مورد این تقسیم‌بندی آمده است:

جمله ارباب فتوت ای رفیق　　بر دو گونه آمده است اندر طریق

آن یکی سیفی و دیگر قولی است　　هر دوشان را معرفت مستولی است (۴)

شاخهٔ «سیفی» فتوت به احتمال قریب به یقین به صورت عیاران و شطاران نمود پیدا کرده است که به مرور زمان بعضی از اعمال از جمله راهزنی- هرچند در باطن برای نیت‌های انسانی و اخلاقی صورت می‌گرفت- آن‌ها را از شاخهٔ «قولی» که به صورت عرفان و تصوف نمایان شده جدا کرد. ما مدعی نیستیم که منشأ عرفان آیین فتوت بوده است، بلکه کسانی که در سلک فتوت (شاخهٔ قولی) درآمده‌اند، به نوعی متمایل به عرفان و تصوف شده و هم‌سلک و هم‌لباس آنان شده‌اند. چنان‌که واعظ کاشفی در مقدمهٔ فتوت‌نامهٔ سلطانی علم فتوت را شعبه‌ای از علم تصوف خوانده است (۲۴). بعضی‌ها نیز فتیان را گروهی از شیعیان غالی کوفه دانسته‌اند ۴). در بعضی از کتاب‌های عرفانی نیز فتوت را یکی از منازل یا مقامات عرفان دانسته‌اند. مثلاً در کتاب صد میدان خواجه عبدالله انصاری میدان (منزل) چهارم از صد میدان میدان فتوت است (۵).

علاوه بر آیین مهری، دین زردشتی و تصوف، یکی از مهم‌ترین تفکراتی که از لحاظ گوناگون بر زورخانه تأثیر گذاشته مذهب فتوت است. در آیین فتوت نیز رفتار و اعمالی وجود دارد که با ورزش باستانی شباهت دارد می‌توان ادعا کرد رفتارهایی از قبیل جوانمردی، اخلاقی‌بودن، پهلوانی‌بودن اعمال و... بر رفتار و کردار ورزشکاران زورخانه‌ای تأثیر گذاشته است. به قول افشاری سابقهٔ آیین فتوت دست‌کم به زمان ساسانیان می‌رسد (۴)، اما تأثیراتی که زورخانه از این آیین پذیرفته، بیشتر مربوط به زمانی است که آیین فتوت خود از عرفان و اسلام سیراب گشته است. پرتو بیضایی معتقد است غالب آداب و مراسم و اصطلاحات زورخانه از فتوت و فتوت از تصوف سرچشمه گرفته است (۱۱). آیین فتوت از همان آغاز با زورخانه گره می‌خورد، زیرا گرویدن به آیین فتوت مستلزم داشتن نیروی کافی و پرداختن به ورزش‌های جسمانی و آماده‌شدن برای جنگ و مبارزه است (۲۷).

در اینجا به صورت موردی به بعضی از شباهت‌های این آیین با زورخانه اشاره می‌شود:

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

حضور نداشتن زنان و نوجوانان در زورخانه

چنان‌که از خود واژهٔ «فتوت» (جوانمردی) مشخص است، زنان در این آیین و مناسک مربوط به آن حضور نداشته‌اند. در زورخانه نیز فقط مردان می‌توانند حضور داشته باشند (۴). و حتی مردان زمانی می‌توانستند در زورخانه حضور یابند که به سن بلوغ رسیده باشند (۱۱). فتوت نیز مربوط به زمانی است که مدعی آن حداقل به سن جوانی رسیده باشد. جوانان زمانی می‌توانند به زورخانه بروند که آن‌قدر ریش داشته باشند که شانه به ریش آنان بند شود. نقل است که جوانی خواست وارد زورخانه شود چون ریش نداشت یا به اندازهٔ کافی نبود نگذاشتند وارد گود شود. جوان شانه از جیب بیرون آورد و به گوشت صورت خود فرو برد (۱۱) و (۱۰). در آیین فتوت بند کمر، که همان کشتی زردشتی است، حتی از دوران ایران باستان فقط به کمر مردان و جوانان بالغ و بزرگ‌ترها بسته می‌شد (۱۰). البته مری بویس معتقد است کُشتی را در دین زردشت به کمر زن و مرد می‌بستند (۹). در زورخانه نیز لنگ و تنکه که کشتی‌گونه‌ای است، فقط بر کمر افراد مردان بالغ بسته می‌شود. زنان و کودکان از بستن لنگ در زورخانه محذورند، زیرا بستن لنگ مجازاً به معنی آماده‌شدن برای مبارزه است که در باور فتیان فقط از عهدهٔ مردان برمی‌آید.

برهنه‌بودن پهلوانان

مواردی از قبیل برهنه‌بودن پهلوانان زورخانه (جز پوشیدن لنگ) در زورخانه‌ها علاوه بر شباهتی که با آیین مهری دارد شاید متأثر از آیین عیاران و شطاران (شاخهٔ سیفی فتوت) است که با بدن برهنه به جنگ می‌رفتند و این عمل نیز، به باوری، به دلیل علاقهٔ شدید آنان به حضرت حمزهٔ سیدالشهداء بوده که در جنگ‌ها لباس نمی‌پوشید (۶). تعدادی از محققان برعکس بعضی از اعمال شطاران و عیاران را از قبیل شلنگ‌اندازی، که تا سال‌ها پیش در زورخانه‌ها مرسوم بوده است و در اعمال شطاران نیز وجود داشته، متأثر از زورخانه دانسته‌اند (۱۱). بعید نیست این رسم، که در بین عیاران و شطاران و در زورخانه‌ها وجود دارد، از (آیین مهری) سرچشمه گرفته باشد.

پاک‌دامنی

پاک‌دامنی یکی از مهم‌ترین اصول فتوت است. «اول چیزی که فتوت‌دار را بدان وصف کنند، اصل آن پاک‌دامنی باشد» (۴). و «اولین چیزی که فتوت‌دار را به کار است، شلوار است (۴). چون درِ فتوت باز کنند اول مقدمه او شش‌چیز باید که باشد از او سه بسته و سه گشاده؛ اما آن‌چیز که بسته باشد، یکی بند شلوار، دوم چشم از نامحرم، سوم زبان از بدگفتن و...» (۴). هنوز هم در زورخانه‌ها و به تبع آن‌ها عوام برای اثبات پاک‌دامنی می‌گویند: هنوز بند شلوارم به حرامی باز نشده است. شلوارپوشیدن که مطابق آیین و رسمی خاص در آیین تصوف صورت می‌گرفت (۴) به فضیلت عفاف اشاره داشته است (۲۴) و (۱۱). این سنت بعدها نیز جزء اصول زورخانه شد. درحقیقت تنکه‌پوشیدن پهلوانان در اصل متأثر از «ازار پوشیدن جوانمردان» است (۱۱). به لنگ پهلوانان تنبان نطعی نیز گفته می‌شد و احتمالاً این پای‌جامه‌ها «سروال فتوت» جوانمردان

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

نخستین بوده است (۴). در فتوت‌نامه‌ها بارها به سراویل فتیان اشاره شده است. برای اطلاع بیشتر می‌توان به مقدمهٔ فتوت‌نامهٔ سلطانی مراجعه کرد (۲۷). درحقیقت سراویل فتیان در حکم خرقهٔ صوفیان است (۲۷).

در زورخانه‌ها، مطابق آنچه بهار معتقد است، برهنه‌بودن پهلوانان متأثر از آیین مهری است (۱۰)، اما بعدها پوشیدن لنگ اجباری و فقط برهنه‌بودن بالاتنه رعایت می‌شده است. پوشیدن لنگ به باور بعضی‌ها نیز بنیادی دینی و فراتر از آیین مهری دارد. مثلاً این سنت در «فتوت‌نامهٔ دلاکان» به حضرت آدم نسبت داده می‌شود که در بهشت با خوردن میوهٔ ممنوعه عریان شد و برای پوشش، برگ درخت انجیری بر خود پوشید (۴). در مورد برهنه‌بودن بالاتنه در زورخانه نیز تأکیدات فراوانی می‌رفت، تا جایی که اگر کسی برهنه نمی‌شد مجبور بود دست‌کم دکمه‌های پیراهن را باز بگذارد، این عمل (بازبودن گریبان) نیز به نوعی در کردار و رفتار صوفیه وجود داشته است. ابن جوزی معتقد است بعضی از صوفیان پیراهنشان را چاک می‌کردند (۲). در فتوت‌نامهٔ سلطانی برهنه‌بودن فتیان عملی مستحبی دانسته شده است (۴). در حال حاضر، بازبودن گریبان برای مردان (بدون اینکه اهل زورخانه باشند) نوعی ادعا و لاف محسوب می‌شود. این مورد به دلیل اینکه با مسائل اسلامی – اخلاقی (پوشیدن بدن از نامحرم) به نوعی در تضاد است، تا حدود زیادی کمرنگ شده است و از نظر مردم برهنه‌بودن بالاتنه یا بازگذاشتن گریبان جز در محیط زورخانه هنجار اجتماعی تلقی نمی‌شود.

سحرخیزی

سحرخیزی نیز از اصول اولیهٔ آیین فتوت است. طبق نظر مهرداد بهار در زورخانه‌ها نیز پهلوان باید طاهر و سحرخیز و پاک‌نظر باشد (۱۰). پهلوانان تا قرن‌ها فقط صبح‌ها بعد از نماز صبح یا حتی قبل از آن به زورخانه می‌رفتند (۶). بعدها پهلوان‌اکبر خراسانی برخلاف سنت دیرین ورزش شبانه را هم دایر کرد (۶). به طور کلی، هم در آیین فتوت و هم در آیین تصوّف، سحرخیزی و دعای صبح‌گاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. زیرا مطابق حدیث مشهور «مَن اخلَصَ لله اَربَعینَ صباحاً ظَهَرت یَنابِعِ الحِکمه مِن قَلبِهِ علی لِسانِهِ» (۲۳). (هرکس خود را چهل صبح برای خدا خالص کند چشمه‌های حکمت از قلبش بر زبانش جاری می‌شود)، به سحرخیزی و نیایش در صبح اهمیت فراوان می‌دادند. هنوز در بین زورخانه‌روها و به تبع آن‌ها مردم، با افتخار می‌گویند: هنوز آفتاب بر رختخواب من نتابیده است (قبل از طلوع آفتاب بیدار شده‌ام).

کُشتی‌گرفتن

در آیین فتوت کشتی‌گرفتن را نمادِ نوعی مبارزه بین صفات حمیده و اخلاق ذمیمه می‌دانستند (۲۷). سعدی در حکایتی زیبا در گلستان به کسانی که قدرت بدنی دارند، اما از اخلاق حمیده بهره‌ای ندارند، خرده گرفته است: «یکی از صاحب‌دلان زورآزمایی را دید به‌هم برآمده و کف بر دهان آورده. گفت: این را چه حالت است؟ گفتند: فلان دشنام دادش، گفت: این فرومایه هزارمن سنگ برمی‌دارد و طاقت سخنی نمی‌آورد.

لاف سرپنجگی و دعوی مردی بگذار عاجز نفس فرومایه چه مردی چه زنی

(۲۰)

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

حتی در ایران باستان نیز کشتی‌بستن برای یاوری اهورامزدا و جنگ با اهریمن است (۲۷). کشتی بندی سفید و باریک و بلند است که از هفتادوپنج پشم سفید گوسفند بافته می‌شود. هر زردشتی، پس از هفت‌سالگی از بستن کشتی که بند بندگی خداوند است ناگزیر است (۱۲). با بستن کشتی کالبد از نفوذ شیطان مصون می‌ماند (۱۲). توجه به بستن کشتی آن اندازه اهمیت داشته است که نبستن آن گناه محسوب می‌شده است (۱۲). در آیین فتوت میان‌بستن اشارت است به فضیلت شجاعت (۲۴). زیرا شجاعت از اصول اولیّهٔ آیین فتوت است و رفتن به زورخانه‌ها (به‌ویژه برای جوانان) برای کسب یا تقویت شجاعت است که تا حدود زیادی در گرو قدرت بدنی است.

سایر وجوه شباهت

چنان‌که در آیین تصوف مراحل مختلفی وجود دارد که آخرین آن فقر و فنا است، در زورخانه نیز اگر پهلوانی به بالاترین درجه از قدرت بدنی، پس از دریافت کاسه و آینه (آینه‌ای به زانو می‌بستند به معنی اینکه هیچ‌گاه در مبارزه به زانو در نمی‌آیند) برسد، مفتخر به «کلاه فقر» می‌شود (۶)، (۱۱). حتی گاهی اوقات اوصافی که برای پهلوانان ذکر شده است تا حدی مطابق رفتار و کردار صوفیان است. مثلاً زمانی که پهلوانی می‌خواهد "نوچه‌ای" را بپذیرد، شبیه زمانی است که پیره سالکی را به مرتبه‌ای بالاتر پذیرفته یا بر تن او خرقه‌ای می‌پوشاند (۳۰). «...و لوازم فقر و درویشی به‌جای آورده است و دست ارادت در دامن شجاعت آثار پهلوان محمدیزدی زد و مشارالیه او را به پیر ارشادش شجاعت‌شعار پهلوان نظر کاشانی سپرد و مومی الیه او را تنبان نطعی [شبیه خرقه ارادت در مراسم صوفیان] و کاسه‌بند انعام... فرمود» (۱۱). در آیین فتوت نیز پوشیدن سراویل فتوت همراه با آیینی خاص صورت می‌گرفت. مثلاً شمع پنج‌فتیله (به تبرّک پنج‌تن آل‌عبا روشن می‌کردند)؛ دوازده کلمه بر مرید می‌خواندند و سپس نام مبارک دوازده امام را ذکر می‌کردند (۲۷). این کار به دست پیر انجام می‌گرفت. مثلاً واعظ کاشفی معتقد است که الناصرلدین‌الله خلیفهٔ عباسی به دست شیخ عبدالجبار سراویل فتوت پوشید (۲۷). حتی گاهی اوقات این عمل در مکان‌های مطهر و مقدسی صورت می‌گرفت. مثلاً مستنصربالله برای پوشیدن سراویل فتوت از بغداد به نجف می‌رود و در کنار ضریح نورانی حضرت علی (ع) سراویل فتوت می‌پوشد (۲۷).

گود زورخانه به صورت بسیار محسوسی از سنت دراویش خاکساریه تبعیت کرده است. مواردی از قبیل درخاک‌شدن؛ در جای پست ورزش‌کردن برای دوری از نخوت و غرور، که ورزشکار نسبت به دیگران در جای پست‌تری قرار می‌گیرد (۶)، خاک‌پاشیدن در محل کشتی؛ هنوز با وجود اینکه در میدان مبارزهٔ کشتی‌گیران خاکی وجود ندارد، واژه‌ها و عباراتی مانند خاک‌کردن، در خاک نشستن و... متأثر از این سنت دیرین است. ضرب‌المثل‌ها و کنایاتی از قبیل خاک کشتی ما فلان‌جا ریخته شده و... نیز ناظر بر همین مضمون است. از طرف دیگر، درِ زورخانه‌ها را بسیار کوتاه می‌ساختند، به‌طوری‌که عبورکنندگان از آن بایستی

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

به اجبار خم شوند. به عقیدهٔ ورزشکاران این نشانهٔ فروتنی و تواضع جبری برای کسی است که وارد زورخانه می‌شود (۱۱) و (۶). در آیین تصوف نیز غایت تواضع را اساس شجاعت دانسته‌اند (۲۴).
استفاده از کمان‌گروهه (که شباهت با کبادهٔ زورخانه دارد) از عادات فتیان بوده است. محمدجعفر محجوب می‌گوید: از ایراداتی که بر مستکفی، خلیفهٔ عباسی می‌گرفتند یکی این بود که سخن‌گفتن او به عیاران می‌مانست و قبل از به‌خلافت‌رسیدن با کمان‌گروهه تیراندازی می‌کرد (۲۷).

ج. جلوه‌های مذهب شیعه در زورخانه و ورزش پهلوانی

شیعه در لغت به معنی پیرو، طرفدار و گروهی است که بر امری یک‌سخن شوند و بر گروه یاران نیز اطلاق می‌شود. ریشهٔ کلمهٔ شیعه از «مشایعت» به معنی پیروی‌کردن است. شیعه در قرآن مجید در همین معنی به‌کار رفته است. «و إنَّ مِن شیعتهِ لِأبراهیمَ» (صافات/ ۸۳؛ قصص/ ۱۵) و در اصطلاح به معنی پیروان و دوستداران اهل‌بیت(ع) است. گروهی از مسلمانان که معتقدند پس از رحلت پیامبر اسلام(ص) حضرت علی(ع) جانشین برحق اوست و کسانی که در سقیفهٔ بنی‌ساعده ابوبکر را به عنوان خلیفه برگزیدند برحق نبودند (۱۵). ابن‌خلدون نیز در مورد شیعه می‌گوید: شیعه در عرف فقیهان خَلَف و سَلَف بر پیروان و اتباع علی و پسران او اطلاق می‌شود (۳ و ۲۸). شیعه در صدر اسلام به پیروان کسان دیگری نیز اطلاق می‌شد (۲۶)، اما به مرور زمان خاص پیروان اهل بیت شده است. مذهب شیعه بعدها به دلایل مختلف به فرق متعددی منشعب شد (۱۶ و ۲). مهم‌ترین فرقهٔ تشیع شیعهٔ دوازده‌امامی (اثناعشری= دوازده‌امامی) است که در این پژوهش نیز بیشتر همین فرقه مدّنظر است.
گفتنی است که بسیاری از محققان آیین تصوف را منشعب از مذهب شیعه می‌دانند و بعضی از ائمه(ع)، از جمله امام زین‌العابدین (ع)، امام جعفر صادق (ع) و امام رضا(ع) را از پیشوایان اولیّهٔ متصوفه معرفی کرده‌اند (۲۶). مصطفی الشیبی دو کتاب مشهور در همین زمینه به نام‌های تشیّع و تصوف و الصّله بین التّصوف و التّشیع به رشتهٔ تحریر درآورده است.
در بسیاری از موارد تأثیر مذهب تشیع بر زورخانه‌ها و آیین‌های مربوط به آن کاملاً نمایان است. به‌ویژه ارادت به ائمه اطهار و از همه مهم‌تر حضرت علی(ع) و امام حسین (ع) مبنای بسیاری از مناسک زورخانه گردیده است. این تأثیر در دوران صفویه، که اوج مذهب تشیع است نمود بیشتری پیدا کرده است. پرتو بیضایی معتقد است: در قرن یازدهم ورزش پهلوانی به نهایت ترقی رسیده و امر ورزش با اختلاط با مذهب صورت دیگری یافته است. مظاهر و مراسم تشیع در زمان سلاطین صفویه در زورخانه رواج یافته است (۱۱). زورخانه همواره با مذهب شیعه و شعائر آن همزاد و همراه بوده است ... این ورزش با تمامی نهضت‌های شیعی علویان، شعوبیان، عیاران، شطاران، اسماعیلیان و سربه‌داران پیش رفته، تحت تعالیم و شعائر آن‌ها بالنده شده است (۶). در ادامه به پاره‌ای شواهد در ورزش اشاره می‌شود زورخانه‌ای که ظاهراً متأثر از مکتب تشیع است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

– وقتی میاندار برای هر ورزشی شمارشی شروع می‌کرد سایرین با صدای حق حق و علی علی او را جواب می‌دادند (۱۱).

– «طبقه سادات که اولاد پیشوای عالم امیرالمؤمنین علی (ع) هستند، در زورخانه در هر کاری اولویت دارند، ولو مبتدی باشند و روز اول ورودشان به گود باشد و اگر از عهدهٔ میانداری برنیایند جای آن‌ها «پای سردم» است» (۱۱). در قدیم مشهورترین شخصیت میاندار گود می‌شد و ارجمندترین فرد بعد از او روبه‌روی او و پشت به سردم زورخانه مشغول ورزش می‌شد و مبتدی‌ترین آن‌ها در پشت میاندار قرار می‌گرفت. در موقع بلندکردن میل نیز حق تقدم در درجهٔ اول با سادات و بعد با پیش‌کسوت‌ترین است (۱۱).

– هرگاه ورزشکار در گود شیرین‌کاری کند و باعث تحسین سایرین شود، مرشد برای تشویق و تحریک او به جوانان بنی‌هاشم تشبیهش می‌کند (۱۱).

– در هنگام چرخیدن یکی از ورزشکاران پس از خواندن چند بیت برای «گل‌چرخ» کلماتی را به زبان می‌راند از قبیل حق پیر، مزد استاد، "برش ذوالفقار" و... که حضار آمین می‌گویند (۱۱).

– بعضی تصور کرده‌اند گودی زورخانه برای آن است که گودال قتلگاه حسین‌بن‌علی (ع) را در صحرای کربلا به ذهن متبادر کند (۶). و از اینکه گاهی گود زورخانه را شش‌گوشه می‌ساختند به تبعیت از قبر شش‌گوشهٔ امام‌حسین (ع) بوده است (۶).

– روی عقیق یا عقیق‌های بازوبند پهلوانان آیاتی از قرآن یا نام پنج‌تن آل‌عبا یا نام حضرت علی (ع) حک می‌شد (۶).

– در بسیاری از الفاظ و مسائل مربوط به زورخانه‌ها عدد دوازده وجود دارد که علاوه بر تقدس یادآور دوازده‌امام است. واعظ کاشفی می‌گوید: اگر پرسند کلماتی را که استاد در وقت میان‌بستن بر شاگرد می‌خواند چند است؟ بگوی دوازده. اکثر این مفاهیم مذهبی و دینی از قبیل عدل کردن، تبری از دشمنان خدا، نهی از منکر و... است. یا اگر پرسند بستنی چند است و گشادنی چند، بگوی دوازده‌چیز بستنی است... (۲۷). اگر پرسند آداب استادان کشتی چند است؟ بگوی دوازده. اگر پرسند آداب شاگردان چند است؟ بگوی دوازده. اگر پرسند آداب پهلوان چند است؟ بگوی دوازده صفت. همچنین برای آداب کمان‌دانی (کباده) دوازده و آداب چراغ روشن‌کردن نیز دوازده شرط ذکر شده است (۱۱).

حتی طول و عرض زورخانه‌ها را دوازده‌متر در دوازده‌متر طراحی می‌کردند و محرابی روبه‌قبله از سنگ مرمر می‌ساختند که به طول چهار ذرع و عرض سه ذرع بود (حاصل‌ضرب آن دوازده است). حتی زمانی که پوریای ولی وارد گود زورخانه‌ای در زیرزمینی با خصوصیات بالا می‌شود، با خطی سبز (که نشانهٔ سادات است) در محراب نوشته شده بود که ای پهلوان محمود، اگر خواهی که مراد تو حاصل شود می‌باید دوازده‌سال در این عبادت‌خانه به سر بری (۱۱).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

تأثیر مراسم امام حسین (ع) بر سردم زورخانه

یکی از ارکان و مکان‌های زورخانه «سردم» است، که براساس پژوهش پرتو بیضایی متأثر از عزاداری‌های شیعیان در ایام محرم است. وجود منقل و چراغ در جلو درب ورودی تکایا، و به تبع آن در زورخانه‌ها، پولی که اهل سردم از مردم به‌عنوان چراغ سردم می‌طلبیدند و بعدها به طور مطلق آن را پول چراغ گفته‌اند، دقیقاً شبیه زورخانه‌ها است. زیرا در زورخانه‌ها نیز پولی که از حضار وصول می‌شد "پول چراغ" نام داشت. می‌توان بر آن بود که وجود آتش در زورخانه‌ها متأثر از آیین زردشتی است، زیرا در این آیین برای آتش ارج و ارزش والایی قائل بودند و آتش در این آیین خیلی مهم‌تر از سایر عناصر بوده است... (۲۵) آتش در آیین زردشت آن‌قدر مورد توجه بوده که آن را به انواع گوناگونی دسته‌بندی کرده‌اند (۲۵). اما چنان‌که نقل شد، آتش و... در زورخانه‌ها از مراسم عزاداری حضرت امام حسین (ع) و مکتب تشیّع نیز متأثر شده است. در آیین فتوت نیز برای شمع و چراغ ارزش والایی قائل بودند و آن را به نحوی به مکتب تشیع نسبت می‌دادند. معنی چراغ در نظر فتیان روشنایی باطن و آشنایی ظاهر است (۲۷). هنگام بستن کمر فتیان نیز دوازده کلمه بر مرید می‌خواندند و از دوازده امام یاد می‌کردند و برای تبرک چراغی پنج‌فتیله (به اعتبار پنج‌تن آل‌عبا) روشن می‌کردند (۲۷).

زنگ در زورخانه

چنان‌که مشخص است، در زورخانه‌ها و کنار طبال زنگی وجود دارد که در مواقعی به‌ویژه هنگام ورود پیش‌کسوتان نواخته می‌شود. ضمن اینکه بسیاری از پهلوانان زنگ شجاعت را به بازو می‌بستند که بعدها به نام و عنوان زنگ حیدری (حضرت علی (ع)) مرسوم شد، چیزی شبیه به زنگ در کنار آتش در آیین زردشت نیز وجود داشته است. در آیین زردشتی بر فراز این اورنگ [آتش] زرینه‌ای که نماد تاج بود با زنجیری از زر از گنبد آویخته شده بود (۱۳). اما این مورد بعدها تحت تأثیر تفکرات شیعی قرار گرفته، یا متأخرین به این مناسک رنگ‌وبوی شیعی داده‌اند، تا جایی که به آن زنگ حیدری (لقب حضرت علی (ع)) گفته‌اند.

سنگ‌گرفتن

سنگ امروزه دو لنگه وزنهٔ چوبی است که از دو قطعه تخته وزین تشکیل شده است. هر لنگه سنگ دست‌کم ۲۰ و حداکثر ۴۰ کیلو وزن دارد. قراین زیادی در دست است که قبلاً این ابزار از سنگ ساخته می‌شده است. بعضی سابقهٔ آن را به برداشتن درِ خیبر به دست حضرت علی (ع) نسبت داده‌اند (۶).

برای تعلیم نوآموزان در مورد سابقهٔ سنگ‌گرفتن چنین آمده است: اگر گویند سنگ‌افکنی به که می‌رسد، بگو به شاه ولایت (ع) که در محلی در قلعه سلاسل جنگ می‌کرد، از منجنیق سنگی به سپاه اسلام افکندند که حضرت علی آن را به سوی قلعه افکند و ویران کرد (۶).

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

واژه‌هایی که برای شمارش سنگ‌گرفتن به‌کار می‌رفت

علاوه بر اینکه فلسفهٔ وجودی سنگ‌گرفتن را نیز به حضرت علی (ع) نسبت داده‌اند، در شمارش سنگ‌گرفتن که با نوایی موزون توسط دیگران قرائت می‌شود، الفاظ و ترکیب‌هایی دیده می‌شود که ناشی از باورهای شیعی و مقدسات آنان است. از جمله به‌جای عدد پنج پنجهٔ خیبرگشای علی، به‌جای عدد شش شش‌گوشهٔ قبر حسین(ع)، به‌جای عدد هفت امام هفتم محبوب ملک بغداد، به‌جای عدد هشت قبلهٔ هشتم یا امام‌رضا (ع)، به‌جای عدد ۱۰ کرم از علی ولی الله، به‌جای عدد یازده علی و یازده‌فرزند برحقش، به‌جای دوازده جمال قائم صلوات، به‌جای چهارده چهارده‌معصوم پاک، به‌جای هفده هفده کمربستهٔ مولا را نام می‌بردند که اشاره دارد به هفده نفری که در واقعهٔ غدیرخم کمرشان به‌وسیلهٔ حضرت علی (ع) بسته شده است (پس از آنکه پیامبر(ص) کمر حضرت علی (ع) را بست) (۲۷، ۶، ۱۱).

چرخ‌زدن

یکی از اعمال مشهور و دلنشین زورخانه‌ها، که یادآور سماع اهل تصوف است، چرخ‌زدن یا چرخیدن است. چرخ‌زدن از طرفی متأثر از آیین تصوف و بنا به روایتی یادگاری از افتخارات تشیّع است. زرین‌کوب از افراد چرخ‌زن به درویشان چرخ‌زن یاد می‌کند و معتقد است چرخ‌زدن و سماع صوفیان برای آن است تا خودی خود را لگدکوب کنند. چرخ‌زدن را اشارت به شهود حق در جمیع جهات، جهیدن را اشارت به غلبهٔ شوق به عالم علوی و پای‌کوفتن را اشارت به پامال‌کردن نفس اماره نیز می‌داند (۱۹). در فتوّت‌نامهٔ سلطانی آمده است اگر از معنی جهندگی (چرخ‌زدن) پرسیدند، بگو معنی آن است که نفس خانگی است از او بباید جست و پناه به خدا باید برد (۲۷). چرخ‌زدن در زورخانه‌ها از تمرینات جنگی به حساب می‌آمده است. حتی گاهی در جنگ‌ها برای دفع دشمن و... از چرخیدن به شیوهٔ پهلوانان زورخانه استفاده می‌شده است (۶). چرخیدن انواعی مانند چرخ تیز، چکشی، چمنی و... داشته است. چرخ‌زدن از کوچک‌ترها شروع می‌شد و به بزرگ‌ترها خاتمه می‌یافت. به همین دلیل موقع چرخ‌زدن پهلوانان با التماس از دیگری می‌خواهند که اجازه دهند تا آن‌ها بچرخند. درحقیقت آن‌ها با این کار می‌خواهند بالکنایه کوچک‌بودن خود و بزرگ‌بودن دیگری را اثبات کنند. اهل زورخانه چرخیدن را به حضرت علی (ع) منسوب می‌کنند: اگر گویند جهندگی از که ماند؟ بگو از شاه ولایت که روز حرب خیبر دامن به میان زد و از خندق چنبر گذشت (۲۷).

پیشنهادها

با توجه به دایربودن رشته‌های تربیت بدنی در دانشگاه‌ها و تخصصی‌شدن رشته‌های مختلف ورزشی و از همه مهم‌تر وجود فدراسیون‌های مختلف در رشته‌های ورزشی، ضرورت دارد چنین رشته‌ای در کنار رشته‌های دیگر در دانشکده‌ها تدریس شود یا دست‌کم نحوهٔ داوری و اصول آن مانند سایر رشته‌ها آموزش داده شود تا این ورزش در وهلهٔ اول جای خود را در بین ایرانیان و ورزشکاران ایرانی، سپس در بین سایر ملل، چنان‌که بایسته است، پیدا کند. این امر از جهات گوناگون حائز اهمیت است. زیرا در صورت

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

محقق‌شدن آن بسیاری از باورهای ناب دینی و اخلاقی ما، که در درون این ورزش حل شده است، هم برای جوانان ایرانی احیا می‌شود و هم به سایر ملل منتقل می‌گردد. از طرف دیگر، بعضی از ورزش‌ها که هیچ سنخیتی با فرهنگ و دین ما ندارند به صورت رسمی در ایران جایگاهی یافته‌اند و همراه خود باورهای دینی و اخلاقی ملل دیگر را به ارمغان آورده‌اند که شاید با آیین‌های مذهبی و اخلاقی ما هم در تضاد باشند، مشخص است که لزوم احیاء و اهمیت دادن بیش از پیش به این رشتهٔ ورزشی احساس می‌شود.

نتیجه

قدمت و منشأ ورزش باستانی ایران، چنان‌که از نام آن پیداست، به دوران قبل از اسلام برمی‌گردد. این ورزش تأثیرات فراوانی از تفکرات دینی قبل از اسلام (آیین مهری و دین زردشتی) گرفته و بسیاری از باورها و مناسک آن ادیان در این ورزش نمایان شده است. این موارد حتی بعد از اینکه آن ادیان در ایران از بین رفته یا بسیار کم‌رنگ شده‌اند، در این ورزش تقریباً به قوت خود باقی مانده‌اند. پس از ظهور اسلام، این ورزش از عرفان و تصوف، آیین فتوت و مکتب تشیع تأثیر پذیرفته است. بعضی از موارد مانند کشتی‌گرفتن و ساختمان ظاهری زورخانه به نحوی هم با ادیان قبل از اسلام شباهت دارند و هم با موارد بعد از اسلام (تصوف، فتوت و مذهب تشیع). این مطلب این حدس را تقویت می‌کند که شاید همهٔ این موارد متأثر از آیین‌های قبل از اسلام بوده یا آن شباهت‌ها به‌وسیلهٔ تصوف، آیین فتوت و مذهب شیعه تقویت یا ماندگار شده باشند. از آنجا که خود تصوف و فتوت و مذهب شیعه به نوعی بر هم تأثیر گذاشته‌اند و احیاناً یکی از دیگری منشعب شده است (چنان‌که گفتیم منشأ تصوف را ائمهٔ اطهار(ع) دانسته‌اند) یا فتوت را مربوط به حضرت علی(ع) دانسته یا حتی آن را شاخه‌ای از تصوف دانسته‌اند یا یکی از شاخه‌های فتوت (قولی) به نام تصوف تغییر اسم داده است، بعضی از اعمال و گفتار اهل زورخانه مانند چرخ‌زدن، توجه به مرشد و... می‌تواند هم‌زمان ریشه در باورهای فتوت، تصوف و مذهب تشیع داشته باشد. اما، تأثیر این موارد محسوس‌تر است؛

۱- مواردی از قبیل گُل‌چرخ، گل‌کشتی، ضرورت وجود مرشد، توجه به رباعی و شباهت ظاهری ساختمان زورخانه متأثر از تصوف است.

۲- مواردی از قبیل حضور نداشتن زنان، برهنه‌بودن پهلوانان، پاک‌دامنی پهلوانان، سحرخیزی و کشتی‌گرفتن پهلوانان متأثر از آیین فتوت است.

۳- مواردی از قبیل توجه به سادات و احترام ویژه برای آنان، توجه به عدد دوازده، وجود زنگی به نام زنگ حیدری (لقب حضرت علی(ع))، به‌کار بردن واژه‌های بسیار از مقدسات شیعه مانند اسم ائمه(ع)، محل شهادت آنان و... در هنگام ورزش و ورود ورزشکاران به زورخانه، وجود سردم و چراغ سردم در زورخانه‌ها متأثر از باورها و مناسک مذهب تشیع است.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

منابع

۱- قرآن مجید.

۲- ابن جوزی، ابوالفرج (۱۳۶۹) تلبیس ابلیس، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، چاپ اول، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.ابن خلدون(۱۳۶۹) مقدمه ابن خلدون، ترجمهٔ: محمد گنابادی، ج۱، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۳- افشاری، مهران(۱۳۸۲) فتوت نامه ها و رسایل خاکساریه، چاپ اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

۴- انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۶۸) صد میدان، به اهتمام دکتر قاسم انصاری، چاپ چهارم انتشارات طهوری، تهران.

۵- انصاف پور، غلامرضا(۱۳۵۱) تاریخ و فرهنگ زورخانه، چاپ اول، مرکز مردم شناسی ایران، تهران.

۶- انوری، حسن،(۱۳۸۲) فرهنگ سخن، چاپ اول انتشارات سخن، تهران.

۷- باقری، مهری (۱۳۷۶) دین های ایرانی پیش از اسلام، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تبریز، تبریز.

۸- بویس، مری (۱۳۸۱) زردشتیان، ترجمه: عسکر بهرامی، چاپ اول، انتشارات ققنوس، تهران.

۹- بهار، مهرداد (۱۳۸۱) از اسطوره تا تاریخ، گردآورنده ابوالقاسم اسماعیل پور، چاپ اول، نشر چشمه، تهران.

۱۰- پرتو بیضایی کاشانی، حسن(۱۳۸۲) تاریخ ورزش باستان ایران، چاپ اول، انتشارت زوار، تهران.

۱۱- پور داود، ابراهیم (۱۳۸۴) خرده اوستا، چاپ اول، دنیای کتاب، تهران.

۱۲- چیتانی، پیترو (۱۳۸۴) بهار خسرو، ترجمه: میر جلال الدین کزازی، چاپ اول، نشر مرکز، تهران.

۱۳- حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۶۷)، دیوان حافظ، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، چاپ سوم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۱۴- حسینیان،روح الله(۱۳۸۰) تاریخ سیاسی تشیع، چاپ اول، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران.

۱۵- حیدری آقایی، محمود(۱۳۸۶) تاریخ تشیع، چاپ سوم، انتشارات سمت، تهران.

۱۶- دهخدا، علی اکبر(۱۳۷۳) لغت نامه، چاپ دهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۱۷- رامپوری، غیاث الدین محمد(۱۳۶۳) غیاث‌اللغات، به کوشش منصور ثروت،چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران.

۱۸- زرین کوب، عبدالحسین (۳۶۶۹) بحر در کوزه، چاپ اول، انتشارات علمی، تهران.

۱۹- سعدی، مصلح الدین(۱۳۶۶) گلستان، به کوشش محمد خزائلی، چاپ ششم، انتشارات جاویدان، تهران.

۲۰- شمیسا، سیروس (۱۳۶۳) سیر رباعی در شعرفارسی، چاپ اول، انتشارات آشتیانی، تهران.

۲۱- غنی، قاسم(۱۳۸۳)تاریخ تصوف در اسلام، چاپ هشتم، ج۲، انتشارات زوّار، تهران.

۲۲- فروزانفر، بدیع الزمان(۱۳۶۱) مأخذ احادیث مثنوی،چاپ سوم،انتشارات امیر کبیر،تهران.

۲۳- کاشانی، کمال الدین عبدالرزاق (۱۳۶۹) تحفه الاخوان فی خصایص الفتیان، مقدمه و... سید محمد دامادی، چاپ اول انتشارات علمی و فرهنگی، تهران .

۲۴- کریستین سن، آرتور (۱۳۷۹) ایران در زمان ساسانیان، ترجمه: غلامرضا رشید یاسمی، چاپ دهم، انتشارات قصه پرداز، تهران.

۲۵- مصطفی الشیبی، کامل(۱۳۵۹) تشیع و تصوف، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو،چاپ اول، انتشارات امیر کبیر، تهران.

۲۶- واعظ کاشفی سبزواری، مولانا حسین (۱۳۵۰) فتوت نامهٔ سلطانی، به اهتمام محمد جعفر محجوب،چاپ اول، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران.

۲۷- هاجسن، مارشال.گ.س (۱۳۷۸) فرقهٔ اسماعیلیه، ترجمه: فریدون بدره ای، چاپ چهارم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

۲۸- هجویری، ابوالحسن علی ابن عثمان (۱۳۸۴ ۹ کشف المحجوب، مقدمه و ... محمود عابدی، چاپ دوم، انتشارات سروش، تهران.

۲۹- همدانی، مجذوب علی شاه (۱۳۵۱) مراحل السالکین، به سعی جواد نور بخش، چاپ اول، انتشارات خانقاه نعمت الهی، تهران.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]

Manifestations of Sufism, Chivarly, and Shia Religion in Ancient Sport and Gymnasium of Iran

Heidary, A., (Ph.D.) Lorestan University
Dolatshah, N., (M.A.) Allameh Tabatabai university

Abstract
The purpose of this paper was to briefly discuss origins of the Iranian sport clubs and ancient sports. Apparently, ancient sports, from the very beginning, have been dramatically under the influence of social, religious, and ethical factors. For instance, such sports are influenced by the principles of Mithraism and Zoroastrianism be for the emergence of Islam. There are also some manifestation of Islamic social behaviors such as Sufism, theologism , Islamic genensity , and Shiite principles in ancients sports. Such manifestation are physically evident in the sportment's dressing styles the place of exercise, and speech. They are also evident in their daily performances such as getting up early and keeping chastity.
Keywords: Ancient sports, Shiite, Generosity, Sufism.

[Downloaded from system.khu.ac.ir on 2026-11-10]